

## پرواز

### انوشه انصاری

پیامی است به زنان ایران و همه زنان مسلمان جهان

– آزاد شوید تا پرواز کنید –

-

انوشه انصاری بانوی موفق ایرانی با پرواز خود به فضا نشان داد که در یک کشور آزاد و در پرتو برابری زن و مرد، بانوان ایرانی هم که در این سرزمین ها زندگی می کنند، قادرند پا به پای مردان و زنان جهان آزاد، در همه زمین ها قدم بردارند و موفق باشند.

در عین حال، موفقیت این بانوی ایرانی در رشته های مختلف علمی و اقتصادی، می تواند الگویی برای همه بانوان ایران و جهان اسلام باشد که به دلیل زن بودن در کشورهای خود ارزش و اعتبارشان نادیده گرفته می شود. در حالی که اگر ملت های مسلمان بخواهند پا به پای دنیای پیشرفته در کاروان تمدن جهانی جایگاهی داشته باشند، پیش از هر کاری لازم است دست و پای زنانشان را از قید و بندهای کهنه مرسوم در جامعه خود باز کنند و برای بانوان خود نیز ارزش و اعتباری برابر مردان قائل گردند.

پیام نا گفته دیگر انوشه انصاری به ملت های مسلمان اینست : بانوان را آزاد کنید تا آنها هم به عنوان بخشی از جامعه انسانی سهم خود را در تکامل هستی ادا نمایند. دریغ است از شایستگی های این بخش از جامعه به دلیل زن بودن بهره برداری نشود.

در ماه های نخستین قدرت یافتن خمینی، زمانی که خشونت دار و دسته او به سر حد جنون رسیده بود و هر کسی را که در رژیم پادشاهی مقام و منصبی داشت به بهانه ای واهی دستگیر می کردند، به زندان می انداختند و سپس به جوخه های اعدام می سپردند. برخی از دورانیشان هشدار دادند که این کشتارهای بی رویه و نابجا سبب فرار کسانی می شود که گردانندگان مملکت و سرمایه های معنوی ملت ایرانند.

و خمینی در پاسخ گفت : «بگذارید بروند و در غربت دق مرگ شوند و بمیرند ما نیازی به آنها نداریم».

در تقابل با چنین برخورد کینه جوینه خمینی، دولتمردان و مدیران مدبری که توانسته بودند جان خود را از چنگال خون آلود عناصر رژیم اسلامی نجات دهند، به خارج آمدند، بی آنکه بسیاری از آنها حتی توشه‌ راهی با خود داشته باشند.

اینان که هر یک در مملکت خود صاحب مقامی بودند و در سازندگی ایران سهم به سزایی داشتند، در خارج از کشور با پذیرفتن سخت ترین مشاغل از نو زندگی خود را سر و سامان دادند و در عین حال بار سنگین تحصیلات فرزندان خود را به کمک و یاری همسران سخت کوش خود به دوش کشیدند.

در باره سرگذشت این نسل از ایرانیان که به خارج آمدند، متأسفانه تا به امروز یک بررسی دقیق و همه جانبه ای انجام نگرفته است تا روشن شود که آنها چه کسانی بودند، در ایران چه می کردند و در خارج از کشور چه سرگذشتی داشتند. اگر بخواهیم به کوتاهی ارزش کار این نسل را بنمایانیم، کافی است به نتیجه تلاش آنها در پرورش فرزندانمان نگاه بیافکنیم. فرزندان همان کسانی که با دست خالی به کشورهای بیگانه آمدند، و در کمتر از سه دهه به چنان موفقیتی دست یافتند که در طول تاریخ بی سابقه بوده و برای نسل ما غرور انگیز و شادی آفرین است. چنانکه بسیاری از ما ایرانیان در پیرامون خود چندین خانواده ایرانی سراغ داریم که پدر و مادرها با سختی و مشقت فرزندانمان را به بهترین مدارس و عالیترین دانشگاهها فرستادند، و امروزه اکثر آنها در زمینه های مختلف علمی، صنعتی، اقتصادی، هنری و غیره به چنان موفقیتی دست یافته اند که زبانزد مردم کشورهایی است که به آنان پناه داده اند.

از نمونه های بسیار خوب این نسل مهاجر، خانواده حسین انصاری است. مردی که با نجات دادن جان خود از دست جلادان رژیم اسلامی، توانست فرزندانمان را آنچنان بشمر برساند که هر یک از آنان در جای خود باعث افتخار ایرانی است. از آن میان میتوان به حمید انصاری و همسرش بانو انوشه اشاره کرد که در عرصه علم و اقتصاد جهان جایگاه ویژه ای یافته اند.

زمانی که انوشه انصاری با سرفرازی سفر پر هیجان خود را به آسمان آغاز کرد. همه ایرانیان در هر گوشه و کنار این جهان خاکی با شادی و شغف لحظه به لحظه جریان پرواز این بانوی ایرانی را تعقیب می کردند. من هم از دور مانند بسیاری از هم میهنانم با جان و دل در بدرقه او شرکت داشتم. پس از آن نیز هر شب به آسمان نگاه می کردم با این امید که این سفر

کرده عزیز ما، که بی شک در دورترین گوشه آسمان هم به فکر آرمانهای «انسانی - ایرانی» است، خود را تنها احساس نکند.

دو سال پیش، وقتی من از این گوشه جهان خبر بازگشت خدا به زادگاهش را «بشارت» دادم، باور نمی کردم که از گوشه دیگر این کره خاکی یک هم میهن من و آنهم یک بانوی ایرانی به همان آسمانی سفر کند که من در اندیشه خود، بارها به آنجا سفر کرده ام. گفتنی است که تا همین دهه های گذشته، همه کسانی که به گونه ای چشم به آسمان دوخته و در بلندای بیکرانه آن به سیر و سیاحت پرداخته بودند، در عالم رویا و بر بال خیال و گاهی هم برگردونه اندیشه می نشستند.

در گذشته های دور تلاش امثال کیکاووس که برای حقیقت بخشیدن به رویای سفر آسمانی، تخت روانش را به بالهای عقاب های تیز پرواز سپرد، و ناکام ماند یک امر استثنایی بود. چنانکه پیغمبر اسلام نیز در سفر معراج خود به طوری که روایت شده است، بر پشت حیوان بالدار نشست و با بال زدن این حیوان هفت طبقه آسمان را طی کرد و گویا به درگاه خدا هم رسید.

اگر چه دیر زمانی است که رویای سفر به آسمان به حقیقت پیوسته و دهه هایی هم سفر به فضا آغاز شده است، با این حال هنوز هم بسیاری از انسان ها در عالم رویا و در خواب و خیال به آسمان میروند و در پهنه بیکران آن به گشت و گذار میپردازند. از آن میان خود من هستم که بارها به اینگونه سفرها دست زده ام.

من پس از سفرهای دور و دراز و مشقت بار به دنیای آخرت و دیدن بهشت و دوزخ بود که به این فکر افتادم؛ چرا به آسمان سفر نکنم و با خدا دیدار و گفتگو نداشته باشم و چنین هم کردم.

آنچه مرا از سفر این بانوی ایرانی بیش از هر چیز خوشحال کرده، اینست که او اولین هم میهن من است که نه در عالم رویا و خیال، بلکه در عالم واقع به فضا سفر کرده است. دیگر اینکه این بانو با این سفر خود پیام دلنشینی به همه بانوان جهان بویژه بانوان ایرانی که حق و حقوق آنها به دلیل زن بودن رعایت نمی شود داده و آنها را با حرکت قهرمانه خویش، برای به دست آوردن آزادی و برابری با مردان فرا خوانده است.

انوشه انصاری با این سفر بلندپروازانه خود صدای اعتراض به دل نشسته این بانوان را به گوش همگان رساند و بی آنکه آنرا به زبان جاری سازد، این واقعیت را آشکار ساخت که: بانوان ایرانی اگر آزاد باشند و در محیط آزاد پرورش پیدا کنند، می توانند پا به پای مردان و زنان آزاد کشورهای دیگر در همه زمینه ها و قلمروها فعال باشند و شایستگی خود را نشان دهند.

نهایت اینکه انوشه انصاری با این پرواز شجاعانه خود بار دیگر صدای ایرانیان دور از میهن را به گوش جهانیان رساند که ایرانیان برخلاف آنچه امروزه در کشورشان می گذرد، مردمانی هستند با فرهنگ، مردمانی که پدرانشان دیروز در ایجاد تمدن بشری از پیشگامان بودند و امروزه فرزندان آنان میخواهند در تمدن فردای جهان نیز سهمی بر عهده داشته باشند. بانو انوشه انصاری را بایستی ارج نهاد، گرمی داشت و به او بالید که از جمله ایرانیان سرفرازی می باشد که نام و یاد سرزمین نیاکان خود را بلند آوازه کرده است.

پاریس ۱۸ سپتامبر ۲۰۰۶ - هوشنگ معین زاده

نقل از : کیهان لندن  
شماره ۱۱۲۶ اکتبر ۲۰۰۶